



A Study of the Educational Methodology of the Qur'an in the Arena of Reformation of Individual Ethics

Reza Najafi¹

Received: 20/12/2020

Accepted: 25/01/2021

Abstract

The Holy Qur'an uses various methods to reform the individual ethics of its audience. The penetration of all kinds of vices in the behavior of the people of the age of revelation (of the Qur'an) proves the necessity of such an attitude. The moral and educational approach of the Qur'an made this book a source of access to educational methods in all periods after the revelation. The novel methods of the Qur'an, by deepening the behavioral and spiritual virtues, have provided a diverse structure of educability to thinkers and researchers of educational sciences and ethics. The current study has examined the educational methodology of the Qur'an, through a descriptive-analytical method, with a look at individual ethics. The results show that the Holy Qur'an has consistently used various and innovative methods of education such as warning and annunciation, empirical educational method, educational studies of figures, and so on. The Qur'an has also established the promotion of religious education by recalling the principles of individual ethics such as self-respect and high status of human. In addition, self-knowledge is the basis of educability and self-improvement, and jihad with the soul is considered a path to cultivate and flourish the virtues of the audience.

Keywords

Methodology, education, individual ethics, self-knowledge, self-improvement.

1. PhD in Qur'anic and Hadith Sciences; Instructor of the Department of Islamic Education, Persian Gulf University, Bushehr. Iran. najafi9487@gmail.com

* Najafi, R. (2021). A Study of the Educational Methodology of the Qur'an in the Arena of Reformation of Individual Ethics. *Quarterly Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 2(6), pp. 32-54.

Doi: 10.22081/jqss.2021.59667.1093

بررسی شیوه‌شناسی تربیتی قرآن در عرصه پیرایش اخلاق فردی

رضا نجفی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

چکیده

قرآن کریم با به‌کارگیری شیوه‌های متنوع به پیرایش اخلاق فردی مخاطبان خود پرداخته است. رسوخ انواع ردیلت‌ها در رفتار مردمان عصر نزول ضرورت چنین نگرشی را به‌خوبی اثبات می‌کند. رویکرد اخلاقی و تربیتی قرآن موجب شد تا این کتاب در همه ادوار پس از نزول مرجع دستیابی به شیوه‌های تربیتی باشد. شیوه‌های بدیع قرآن با تعمیق فضایل رفتاری و معنوی، ساختار متنوعی از تربیت‌پذیری را در اختیار اندیشمندان و محققان علوم تربیتی و اخلاق قرار داده است. در پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی شیوه‌شناسی تربیتی قرآن، با نگاهی به اخلاق فردی پرداخته شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد قرآن کریم شیوه‌های متنوع و بدیع تربیتی مانند انذار و تبشیر، شیوه تربیتی تجربه‌گرایانه، چهره‌پردازی تربیتی و غیره را به‌صورت پیاپی به‌کار گرفته است. همچنین قرآن با یادآوری مبانی اخلاق فردی همچون کرامت نفس و جایگاه رفیع انسانی، ارتقای تربیت دینی را پایه‌ریزی کرده است. افزون بر این، خودشناسی پایه تربیت‌پذیری و خودسازی قرار گرفته و جهاد با نفس، مسیری جهت پرورش و شکوفایی فضایل مخاطبان قلمداد شده است.

کلیدواژه‌ها

شیوه‌شناسی، تربیت، اخلاق فردی، خودشناسی، خودسازی.

۱. دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث؛ عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر. najafi9487@gmail.com ایران.

مقدمه و طرح مسئله

قرآن کریم بر تحول آفرینی در شخصیت و رفتار مخاطبان تأکید دارد. این مهم در رویکرد تربیتی قرآن کریم به سهولت قابل مشاهده است. در این میان، جهت گیری آیات تربیتی کلام الله مجید به سمت بهبود اخلاق فردی از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد. کارگفت اخلاقی قرآن کریم در انعکاس تأثیر فرد بر تحول جامعه از همین مسئله حکایت دارد. عبارت نورانی «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر که کسی را بکشد بی آنکه کسی را کشته یا تباهی در زمین کرده باشد چنان است که همه مردم را کشته باشد. و هر که کسی را زنده کند- از مرگ برهاند یا به حق راه نماید- چنان است که همه مردم را زنده کرده است» (مانده، ۳۲) نشان می دهد که تا چه اندازه اخلاق فردی در نظام تربیتی اسلام مورد تأکید و تأمل قرار گرفته است. خداوند متعال در عبارتی کوتاه و گویا همه حقیقت را فرموده است: «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا؛ و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید پس شما را از آن رهانید» (آل عمران، ۱۰۳). از سوی دیگر همراهی پیامبر ﷺ به عنوان مبلغ و مبین قرآن کریم و همچنین رفتار تحول گرایانه آن حضرت ﷺ در تربیت مخاطبان از ضرورت این موضوع پرده برمی دارد. موفقیت رسول اکرم ﷺ در پرورش چهره ای متخلق به اخلاق فردی همچون حضرت علی ﷺ و تربیت اصحابی وفادار مانند عمار یاسر، ابوذر و مقداد نشان گر تأثیر گذاری روش هایی بدیع و بی بدیل در تحول سازی رفتار فردی است. از این رو، گذری تاریخی بر شرایط اخلاقی عصر نزول، ضرورت پردازش اخلاق فردی و همچنین تأکید قرآن کریم بر این مهم را نمایان تر می کند. با همین نگاه، مشاهده می شود که رواج انواع بد اخلاقی در میان اعراب جاهلی موجب شد تا نسبت به تمدن های آن روز، در جایگاهی پست تر و عقب مانده تر قرار گیرند. قتل، غارت، ویرانی، دختر کشی، تعصب، توحش، جهل، خرافه پرستی و میگساری، نام ساکنان جزیره العرب را با جهالت گره زده است. باورشان به غول، دیو و خرافاتی مانند آن و نیز اشعاری که در وصف آنها می سرودند، بسی مایه شگفتی است (ر.ک: مسعودی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۱۱) فقر اعتقادی و انحرافات دینی، آنان را از تربیت و پرورش فردی و

اجتماعی محروم کرده بود. علی علیه السلام چنین وصفشان کرده است: «و شما ای گروه عرب - بر بدترین آیین و در نابسامان‌ترین شرایط می‌زیستید، در میان سنگلاخ‌های ناهموار و مارهای پر زهری که از آوازه‌نژمند و گویی کردند. آب آلوده و ناگوار می‌نوشیدید، و غذای نامناسب و غیربهداشتی می‌خوردید، و خون یکدیگر می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را بریده بودید. بت پرستی میان شما رایج و گناهان در میانتان برقرار بود...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۶).

با این مقدمه به نظر می‌رسد که با پرسشی مبنایی مواجه هستیم که قرآن کریم با چه شیوه‌های تربیتی در پیرایش اخلاق فردی اقدام کرده است؟ روش‌شناسی تربیتی آیات وحی، الگویی را نشان می‌دهد که در نهایت به پاسخی برای سؤال اساسی این پژوهش دست خواهیم یافت.

۱. پیشینه تحقیق

مقوله اخلاق فردی از مهم‌ترین موضوعاتی است که دانشمندان مسلمان و مفسران قرآن کریم به آن پرداخته‌اند. در این پردازش علمی رویکردهای مختلفی در نظر گرفته شده است. برای نمونه می‌توان به این آثار اشاره نمود. مبانی اخلاقیات قرآن کریم که در قالب یک جلد از استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی با نام «مبانی اخلاق در قرآن» ارائه شده، مجموعه‌ای از موضوعات تربیتی قرآن را بررسی کرده است. این اثر بخشی از تفسیر موضوعی ایشان است که با محوریت اخلاق نگاشته شده است. مجموعه‌ای سه جلدی با عنوان «اخلاق در قرآن» از آیت الله محمدتقی مصباح یزدی نیز منتشر شده است؛ بخش‌هایی از این مجموعه ارزشمند به بررسی اخلاق فردی اختصاص دارد. علاوه بر شیوه‌ها، در زمینه تأثیرات قرآن کریم بر عصر نزول نیز می‌توان به پژوهش‌های جدیدی اشاره نمود که عمدتاً ناظر بر تأثیرات کلامی و تربیتی کلام الله مجید است. کتاب قرآن و عصر نزول اثر دکتر حسین فقیه از همین دست تألیفات است. اثر دیگری که به مطالعه کارگفت قرآنی پرداخته، کتابی با نام مبانی تحلیل کارگفت قرآن کریم نوشته دکتر محمدحسن صانعی‌پور است.

مجموعه فراوانی از مقالات نیز با موضوعات تربیت قرآنی ارائه شده است که شیوه‌ها و تأثیرات تربیتی قرآن کریم بر مخاطبان را بررسی نموده‌اند. دامنه پژوهش‌هایی که در این خصوص ارائه شده است گویای گستردگی و پهنای وسیع این موضوع می‌باشد. از تازه‌ترین پژوهش‌های انجام شده می‌توان به این عناوین اشاره نمود: «مصادیق نوآوری‌های تربیتی در قرآن؛ نوشته قاسمعلی کابلی»، «اصول معرفتی و شیوه‌های اقتناعی قرآن کریم با رویکرد تربیتی؛ نوشته سیدمصطفی مناقب»، «بررسی اثربخشی تربیت بر سازندگی فرد و اجتماع از منظر قرآن مجید با نگاهی به عرفان اسلامی؛ نوشته شهین سیمیری» در این دست مقالات که هر یک در جای خود بسیار ارزشمند است، عموماً به صورت کلی به بررسی شیوه‌های تربیتی قرآن کریم پرداخته شده است؛ اما از مطالعه جزئی‌تر روش‌های تأثیرگذار بر رفتار فردی، تا حدودی غفلت گردیده است. برخی مقالات نیز منحصراً تأثیرات تربیتی قرآن کریم را بازخوانی نموده‌اند. برای نمونه می‌توان به «تأثیر تربیت قرآنی بر تبلور کمال انسانی؛ نوشته خانم مینا شمخی» اشاره نمود. به‌رغم وجود این گونه پژوهش‌ها که فراوان به صورت کتاب یا مقاله به جامعه علمی ارائه شده، اما هنوز ابعاد وسیعی از تربیت قرآنی باقی مانده است که یقیناً در آینده مورد بحث و بررسی علمی قرار خواهند گرفت. از این رو در این مقاله تلاش شده است تا به‌طور مشخص به روش‌شناسی تربیتی قرآن کریم در پیرایش اخلاق فردی مخاطبان پرداخته شود.

۲. مفاهیم

۲-۱. اخلاق

واژه «اخلاق» جمع «حُلُق» و «حُلُق» است و در لغت به معنای «سرشت و سنجیه و خوی» می‌باشد، خواه سنجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد، مانند جوان مردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد، مانند فرومایگی و بزدلی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۵۲۵).

دانشمندان علم اخلاق، برای معنای اصطلاحی اخلاق سه معنا برشمرده‌اند:

الف) صفات راسخ نفسانی: صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب

صدور افعالی متناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند.

ب) صفات نفسانی: هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صفت نفسانی به‌صورت پایدار و راسخ باشد و چه به‌صورت ناپایدار و غیرراسخ، و چه از روی فکر و اندیشه حاصل شود و یا بدون تفکر و تأمل سرزند.

ج) فضایل اخلاقی: گاهی واژه اخلاق صرفاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی به کار می‌رود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «فلان کار اخلاقی است» یا «دروغ‌گویی کاری غیراخلاقی است»، و یا زمانی که گفته می‌شود «عصاره اخلاق عشق و محبت است» منظور از اخلاق، تنها اخلاق فضیلت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، صص ۱۹-۲۲).

۲-۲. اخلاق فردی

انسان روابطی با خود و دیگران دارد. برخی گفته‌اند انسان دارای چهار نوع رابطه است: رابطه با خدا، با خود، با مردم و با جهان پیرامون خود. براساس این چهار نوع رابطه، چهار نوع اخلاق تعریف کرده‌اند:

الف) اخلاق بندگی (ارتباط با خدا): مراد هنجارها و ناهنجارهایی مانند ایمان، خضوع، خشوع، پرستش، شکر منعم، خوف، توکل، کفر، سرکشی و بی‌اعتمادی به خدا است که به رابطه انسان و خدا مربوط می‌شود که اساس همه شرایع و فضایل است (رحیمیان و رهبر، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ علیزاده، ۱۳۸۹، صص ۲۲-۲۳؛ الهامی‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۱۵ و ۱۱۵؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰).

ب) اخلاق فردی (ارتباط با خود): آراستگی و اتصاف به فضایل نفسانی بخشی از مباحث اخلاق را تشکیل می‌دهد، مانند صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت نفس (فضائل) و پُر‌خوری، شتاب زدگی و سَبُک مغزی (ردذایل) (رحیمیان و رهبر، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ علیزاده، ۱۳۸۹، صص ۲۲-۲۳؛ الهامی‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۱۵ و ۱۱۵؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰).

ج) اخلاق اجتماعی (ارتباط با هم‌نوع): مراد از اخلاق اجتماعی، ارزش‌ها و ضد

ارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌هاست؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان، محبت، تواضع، ایثار، نوع دوستی، حسد و تکبر (رحیمیان و رهبر، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ علیزاده، ۱۳۸۹، صص ۲۲-۲۳؛ الهامی‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۱۵ و ۱۱۵؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰).

د) اخلاق زیست محیطی (ارتباط با جهان پیرامون): احکام ارزشی حاکم بر مناسبات انسان با طبیعت (گیاهان، حیوانات، مراتع، جنگل‌ها و آب‌ها) را بیان می‌کند (رحیمیان و رهبر، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ علیزاده، ۱۳۸۹، صص ۲۲-۲۳؛ الهامی‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۱۵ و ۱۱۵؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰).

۳. اهمیت اخلاق فردی از دیدگاه قرآن

از مهم‌ترین اهداف قرآن کریم تغییر در مؤلفه‌های اخلاق فردی است؛ چرا که زیر بنای تحقق اخلاق اجتماعی نیز به حساب می‌آید. قرآن کریم با تأکید بر پاسداشت نفس، بر اهمیت اخلاق فردی تکیه نموده است. هدایت و نجات یک فرد به منزله هدایت همگانی بیان شده است (مائده، ۳۲). هدایت کسی که در آستانه ضلالت و هلاکت قرار گرفته مثل آن است که همه مردم نجات یافته‌اند. اگر فقط یک نفر نیز از مسیر هدایت منحرف شود گویا همه مردم دچار انحراف شده‌اند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۳۵۱). تأکید خداوند بر سلامت نفس و مراقبت بر تربیت آن، مسیری در جهت اخلاق‌پذیری فردی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما باد [نگاهداشت] خویشتان چون شما راه یافته باشید هر که گمراه شد به شما زیانی نرساند» (مائده، ۱۰۵). آیه در مدینه بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردیده و مخاطبان را به مراقبت از نفس و تربیت آن دستور می‌دهد. هدایت و هدایت‌پذیری و جلوگیری از تباهی و ضلالتِ نفس مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۳۱). علامه طباطبایی نیز در شرح آیه ۱۰۵ سوره مائده و در تبیین ضرورت تربیت نفس می‌نویسد:

پس او شما را به آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌کند؛ یعنی مراقب و مواظب نفس خودتان باشید تا در طریق سلوک به سوی غایت، گمراه نشوید. طریقه مؤمن طریقی است که او را به پروردگارش می‌رساند و آن همان طریق هدایت و منتهای سعادت

اوست. در این صورت هدایت می‌شوید و دیگر گمراهی گمراهان به شما ضرری

نمی‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۲۷۴).

چنین رویکردی، نخست با فرهنگ عصر نزول به مقابله برخاست. قرآن کریم در گامی بلند در مواجهه با فرهنگ جاهلیت، اخلاق بندگی و ارزش‌هایی مانند ایمان، خوف، توکل، اعتماد به خدا، صبر، حکمت، اخلاص، عزت نفس، صداقت، خودباوری، رشادت، شجاعت و غیره را به مسلمانان آموزش می‌دهد. در چنین شرایطی آموزه‌های تربیتی و اخلاقی دین نه تنها از فرهنگ حاکم بر محیط تبعیت ننموده، که با جدیت به تغییر آن پرداخته است. در این نگرش متعالی، انسان رها شده نیست؛ بلکه به کمک دو مؤلفه دین و اخلاق می‌کوشد تا خود را به نهایت شأن انسانی برساند. بنابراین خداوند متعال، فلاحت یا شقاوت بندگان را در گرو پایبندی به اخلاقیات فردی معرفی کرده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ راستی رستگار شد هر که آن را پاک گردانید و پاکیزه داشت - از کفر و گناهان - * و نومید و بی‌بهره گشت هر که آن را بی‌الود - به کفر و گناهان -» (شمس، ۹-۱۰) تزکیه و پاکی نفس به‌عنوان برترین نماد اخلاقیات فردی، در تربیت شخص نقش آفرینی می‌کند. از همین رو، حیات حقیقی انسان، بر تزکیه و تهذیب اخلاق متوقف و مترتب است. فرد به کمک علم اخلاق به بالاترین مراحل و اوصاف انسانی تکامل می‌یابد. اخلاق، حقیرترین و نازل‌ترین موجودات را به شریف‌ترین نوع آنها ارتقاء می‌دهد (نراقی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱).

۳-۱. خودشناسی، مبنای اخلاق فردی

از دیدگاه قرآن کریم، خودشناسی اولین گام در تحقق آموزه‌های اخلاقی است. اگر انسان خودش را درست بشناسد، حقیقت هستی و حقیقت حیات و زندگی خود را به‌خوبی دریافته است. در این صورت است که گرایش به خودسازی هم می‌تواند جهت اصلی خود را پیدا نماید. در غیر این صورت، جهل و نادانی به خویشتن خود، زمینه را برای غلطیدن و فرورفتن در آفات و انحرافات اخلاقی هموار می‌کند تا جایی که انسان به جای هدایت دچار ضلالت می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۳).

قرآن کریم ضرورت شناخت از خویشتن خود را این گونه تبیین می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ زودا که آنان را نشانه‌های خویش در کناره‌های جهان و در جان‌های خودشان بنماییم تا آنکه برایشان روشن و آشکار شود که همانا او - یا آن - حق است. آیا این بس نیست که پروردگار تو بر هر چیزی گواه و آگاه است؟» (فصلت، ۵۳) برای انجام این مهم باید از خودشناسی آغاز کرد تا به ضرورت خودسازی و رسیدن به مرحله خودباوری و در نهایت به خداشناسی و خدامحوری در زندگی رسید. دین به انسان کمک می‌کند تا جایگاه خود را در نظام هستی بازشناسی نماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم، شما باید نیازمندان به خدا، و خداست بی‌نیاز و ستوده» (فاطر، ۱۵). جهان‌بینی قرآن کریم به مخاطب خود آموخته است که انسان، فقر محض است و در نسبت با خداوند وجودی رابطی بیش ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۶).

۳۹

مُطَالَعَاتُ الْقُرْآنِ

بررسی شیوه‌شناسی تربیتی قرآن در عرصه پیرایش اخلاق فردی

بر این اساس مشخص می‌شود که در نظام تربیت فردی، خودشناسی یکی از ضروری‌ترین مسائل زندگی و یکی از ارکان ضروری برای کمال و سعادت مادی و معنوی انسان به شمار می‌رود. شهید مطهری در تبیین اهمیت و ضرورت خودشناسی می‌نویسد:

این مسئله برای دو منظور گفته شده است: اول آنکه خود را بشناس تا خدا را بتوانی بشناسی. دوم اینکه خود را بشناسی تا بدانی که در این زندگی و در این جهان چه باید کرد و چگونه بایستی رفتار کرد. اگر خود را شناسی نخواهی دانست که رفتار تو در جهان چگونه باید باشد، در جهان چگونه باید زیست (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸).

۲-۳. خودسازی، آغاز تحول در رفتار فردی

خودسازی، به معنای ایجاد اخلاق پسندیده و زدودن رذایل ناپسند اخلاقی، اساس رشد شخصیت انسانی هر فرد را تشکیل می‌دهد. تلاش انسان در تحقق انسانیت و

دستیابی به تربیت دینی منوط به تعالی رفتارهای اوست. خودسازی و پرداختن به اصلاح نظام درونی از اهمّ موضوعاتی است که انسان را به قله‌های سعادتش می‌رساند. جامعه بدوی پیش از نزول قرآن کریم، عاری از فضایل اخلاقی و سرشار از رذایل رفتاری بود؛ به گونه‌ای که خداوند متعال، نزول آیاتش را موجب خروج مردم از ظلمات به نور معرفی نموده است: «كَتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ این کتابی است که آن را به سوی تو فرودستادیم تا مردم را به خواست و فرمان پروردگارشان از تاریکی‌های گمراهی به روشنایی هدایت بیرون آری، به راه آن توانای بی‌همتا و ستوده» (ابراهیم، ۱) در این صورت است که خودسازی مقدمه‌ای در تحول رفتاری مسلمانان محسوب شده است. قرآن کریم در روش تربیتی خود ضمن ردّ بی‌توجهی جاهلان نسبت به وجود پروردگار و توییخ فرهنگ جاهلی، خداوند را ولیّ مؤمنان در خروج از ظلمات معرفی نموده است (بقره، ۲۵۷). بر این اساس، خودسازی جریانی را ایجاد نموده که در نهایت به بندگی و قرب الهی منتهی می‌گردد.

۳-۳. جهاد با نفس، محور اخلاقیات فردی

خداوند متعال به وسیله آموزه‌های قرآن کریم، انسان منحصراً جاهلی را در مسیری قرار داده که نتیجه آن لقای پروردگار است. تأکید قرآن کریم بر ضرورت تلاش و مجاهدت انسان در کسب مقام قرب و همت انسان در فاصله گرفتن از رذایل اخلاق، با گزاره‌های متعددی ابلاغ شده و مسلمانان را به مجاهدت نفس فرا می‌خواند. با نزول آیات قرآن و پس از هجرت رسول مکرّم ﷺ به مدینه، سنت‌های فردی جاهلیت منسوخ شده و جای خود را به جهاد و تلاش تغییر می‌دهد. ضرورت جهاد با نفس چنان است که در هر دو دسته آیات مکی و مدنی قابل مشاهده هستند. روش تربیتی قرآن کریم توجه دادن انسان به ضرورت خودسازی و پرورش استعدادها معنوی است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ؛ ای آدمی، همانا تو به سوی پروردگارت سخت کوشنده و رونده‌ای، پس او را دیدار خواهی کرد» (انشقاق، ۶). اندازهای مکرر قرآن کریم به

مخاطب می‌فهماند که اجتناب از رذائل، ضروری بوده و کسب فضائل موجب جلب رحمت و مغفرت الهی است؛ در غیر این صورت، نظام عقاب پروردگار در جریان است (صانع‌پور و دیگران، ۱۳۹۳)

این مهم به شکل گسترده‌ای در منابع حدیثی نیز منعکس شده است. علی علیه السلام فرمودند: «عبادالله ان من احب عبادالله اليه عبداً اعانه الله على نفسه؛ ای بندگان خدا! همان بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد خدا، بنده‌ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷). امام صادق علیه السلام فرمود: «احمل نفسك لنفسك فان لم تفعل لم يحملك غيرك؛ بار مسئولیت خویشتن را خودت باید بر دوش بگیری، و اگر از انجام وظیفه شانه خالی کنی دیگری بار مسئولیت تو را حمل نخواهد کرد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۵۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۶۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الشدید من غلب نفسه؛ شجاع آن کسی است که بر نفس سرکش خود مسلط شود» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۶۱) همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «از هواهای نفسانی خود پرهیزید چنان‌که از دشمن خود پروا می‌کنید؛ که برای مردم دشمنی بدتر از پیروی هواها و حصارهای زبان‌شان وجود ندارد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳۵).

۴. آموزه‌های اخلاقی در خدمت فرآیند تربیت‌پذیری

به کارگیری اخلاق در جهت تغییر مؤلفه‌های رفتار فردی ضروری است؛ چراکه آموزه‌های اخلاقی، انسان را موجودی معرفی نموده‌اند که در دو سوی کمال و نقص در حرکت است. بدین جهت، گاه در قرآن سخن از نفس اماره است که آدمی را به سوی بدی‌ها امر کرده و می‌کشاند (یوسف، ۵۳) گاهی نیز در مقابل، سخن از نفس لؤامه و سرزنشگر است که به‌عنوان وجدان پاک عمل نموده و به دلیل بروز بدی‌ها و رذیلت‌ها، وی را سرزنش می‌کند (قیامت، ۲) در کنار آن دو، قرآن کریم سخن از نفسی به میان آورده که به تسویل (زیبا جلوه‌دادن) می‌پردازد و بدی‌ها و زشتی‌ها را به‌عنوان امری نیک و پسندیده جلوه می‌نماید (طه، ۹۶) شأن دیگری از نفس به وسوسه‌گری مشغول است و اجازه نمی‌دهد که انسان دمی با خویشتن خود آرام بگیرد؛ بنابراین همواره وی

را به سوی بدی‌ها و زشتی‌ها دعوت می‌کند (ق، ۱۶) اوج دستیابی به کمال بشر، نفس مطمئنه اوست. آنکه انسان را به آرامش و اطمینان رسانده، آدمی را از همه دلبستگی‌های مادی رهایی می‌بخشد و کمال را در او تضمین می‌نماید. نفس مطمئنه ضامن سعادت انسان است (فجر، ۲۷).

این ترسیم قرآنی نشان می‌دهد که انسان و نفس انسانی در مقامی است که می‌تواند به تدریج به پست‌ترین جایگاه یا عالی‌ترین و کمالی‌ترین رتبه معنوی دست یابد. بدین سان قرآن کریم بشریت گرفتار در منجلاب نفسانی را به اوج قله‌های معرفت دینی سوق می‌دهد. انسانی که پروردگارش او را در برترین حالات خلق کرده است. خداوند درباره این ویژگی انسان چنین می‌فرماید: «الْقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ که هر آینه ما آدمی را در نیکوترین نگاهت - صورت و ترکیب و اعتدالی که بتواند به پایه‌های بلند دست یابد - بیافریدیم. سپس - آنگاه که ناسپاسی کرده و کفر ورزید و برای آنچه آفریدیمش قیام نکرد - او را فروتر از همه فروتران گردانیدیم» (تین، ۴-۵).

۵. روش‌های تربیت فردی در قرآن

قرآن کریم برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خود از شیوه‌های متنوع تربیتی استفاده کرده است. تربیت مردمان عصر نزول با کمک روش‌های بدیع و مؤثری انجام شده است تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بیشترین تغییرات رفتاری حاصل شود. گاهی نیز ترکیب شیوه‌های متنوع در جریان القای یکی از آموزه‌های قرآنی قابل مشاهده است. همچنین پیامبر اکرم ﷺ، که معلم قرآن کریم بود، از همین روش‌ها بهره گرفته است. آموزه‌های تربیتی قرآن به تدریج و با در نظر گرفتن جریان روان‌شناختی بشر اجرا گردیده است؛ در غیر این صورت بسیاری از آموزه‌های تربیتی قرآن دچار تقابل شده و در جذب مخاطبان ناکارآمد می‌شدند.

۵-۱. روش تربیتی انذار و تبشیر

تأثیرات تربیتی قرآن کریم در قالب دو گفتمان انذار و تبشیر به مخاطب القاء شده

است. قرآن رسالت پیامبر ﷺ را چیزی جز انذار و تبشیر معرفی نموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ و ما تو را جز مرزده‌دهنده و بیم‌کننده نفرستادیم» (فرقان، ۵۶). بررسی مجموعه آیاتی که مخاطب را به وعده‌های الهی بشارت می‌دهد از یک‌سو، و آیاتی که از عقاب اعمال می‌ترسانند از سوی دیگر نشان می‌دهد که خداوند ابزار تشویق و تنبیه مخاطب را در کارگفت‌های متنوع و به اشکال مختلف بیان فرموده است؛ از این‌رو، از آن جا که مخاطب خداوند در انذار و هشدار انسان‌ها هستند، معرفت و شناخت نسبت به انسان می‌تواند ما را در فهم هرچه بهتر مفهوم انذار و تبشیر یاری دهد. بدیهی است که انسان‌ها با گرایش و پذیرش به سمت اعتقادات و جهان‌بینی‌های گوناگون به گروه‌های مختلفی از کافر، مؤمن، منافق و... تقسیم می‌شوند که جایگاه آنها از لحاظ اعتقادات نقش مهمی در تحقق این کارگفت دارد. انسان زمانی در معرض جزا و پاداش قرار می‌گیرد که بتوان عملکرد او را با معیارهای تربیتی و اخلاقی محاسبه نمود. به عبارتی دیگر پیامبر ﷺ که بشیر و نذیر است، مردمانی را انذار و بشارت می‌نماید که از توانایی انجام فعل اخلاقی برخوردارند. در غیر این صورت کسی را نمی‌توان به دلیل خطای رفتارش سرزنش نمود. همچنان که پاداش نیز مفهومی نخواهد داشت. بر همین اساس، سه عامل زیر در انجام افعال اخلاقی انسان مؤثر هستند:

۱. آگاهی و شناخت؛ ۲. اختیار بشر؛ ۳. عقلانیت در انسان.

هر گزاره از قرآن کریم به گونه‌ای مشخص، هدفی را در ارتقاء تربیت پذیری فرد نشانه‌گذاری کرده و با کمک دیگر مفاهیم، تحقق آن را تضمین می‌نماید. کارگفت قرآن کریم در دو مقوله انذار و تبشیر، کوتاه‌ترین مسیر جهت دستیابی به اهداف تربیتی قرآن کریم است (صانع‌پور و دیگران، ۱۳۹۳)؛ از این‌رو، خداوند متعال با شیوه انذار و تبشیر، رشد و تعالی فردی را در صدر تأثیرات تربیتی خود قرار داده است.

باید گفت که انذار در قرآن کریم در قالب گزارش و ابلاغ است که مخاطب را نسبت به موضوع پراهمیت و خاصی آگاه می‌سازد. متکلم در اینجا افزون‌بر کنش گفته که معنای لغوی الفاظ آن را بیان می‌کند، نیت و مقصود دیگری هم دارد و آن هم هشدار دادن نسبت به امر خطرناک و اتمام حجت با مخاطب می‌باشد و به دنبال آن

شاهد واکنش و انجام گرفتن عملی از مخاطب هستیم (صانعی‌پور، ۱۳۹۳). تبشیر نیز از همین کارکرد برخوردار است. آنچه که به صورت وعده و وعید در لابلای آیات مشاهده می‌شود جهت‌گیری قرآن نسبت به پاداش و جزای مخاطبان است.

۲-۵. روش الگوپردازی تربیتی

قرآن کریم در جهت مثبت و منفی به ارائه نمونه‌های رفتاری پرداخته است. الگوهای مثبت را برای پیروی و نمونه‌های منفی را برای هشدار و هشجاری معرفی نموده است. مخاطب قرآن کریم به راحتی می‌تواند به مشی، کنش‌ها و تاریخ نمونه‌های معرفی شده مراجعه نموده و با تشخیص عقلایی، جهت اخلاقی خود را انتخاب نماید. برخلاف روش قبل، در این شیوه تربیتی به انذار و تبشیر نیازی نیست؛ چراکه مخاطب با کمک عقل و اندیشه به بایسته‌های اخلاقی دست می‌یابد.

۲-۵-۱. مبنای این روش بر الگوپردازی از چهره پیامبر ﷺ قرار داده شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» هر آینه شما را در [خصلت‌ها و روش] پیامبر خدا نمونه و سرمشق نیکو و پسندیده‌ای است، برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌دارد و خدای را بسیار یاد می‌کند» (احزاب، ۲۱). همین نمونه از الگوپردازی در خصوص حضرت ابراهیم عليه السلام نیز بیان شده است (ممتحنه، ۴). همچنین نمونه‌های متعددی در موارد مشابه به مخاطبان معرفی شده است. رفتار خویش‌دارانه حضرت یوسف عليه السلام در برابر شهوت از نمونه‌های بارز تربیت قرآنی است: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ»؛ براستی در سرگذشت یوسف و برادرانش نشانه‌ها و عبرت‌هایی برای پرسندگان است» (یوسف، ۷) همچنین جوان‌مردانی که به نام اصحاب کهف، یادشان در قرآن کریم ثبت شده است نمونه‌ای از الگوهای مثبت رفتاری در فرهنگ قرآن می‌باشند (کهف، ۱۶). آنان برای رهایی از شرک و فساد مهاجرت نموده و خود را به مشقت واداشتند. داستان انبیاء و شخصیت‌های قرآنی را می‌توان در همین راستا ارزیابی نمود.

۲-۵-۲. از سوی دیگر نمونه‌های منفی به مخاطبان معرفی شده است تا موجب

عبرت آموزی آنان باشد. تماشای تصویری تاریخی از پسر نوح در قرآن کریم نمونه روشنی از تربیت دینی با روش چهره‌پردازی است. خداوند او را به حدی ناصالح و منحط معرفی نموده که درخواست حضرت نوح علیه السلام برای نجاتش را رد می‌کند: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ [خدای] گفت: ای نوح، او از خاندان تو - خاندان نبوت - نیست، او کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان دانش نداری از من مخواه من تو را پسند می‌دهم که مبدا از نابخردان باشی» (هود، ۴۶). سایر نمونه‌های تاریخی و عبرت‌آموز در سراسر آیات کلام الله مجید قابل مشاهده است.

۳-۵. روش تقابل چهره‌ها

بازخوانی سرگذشت چهره‌های شناخته شده در تمامی ادیان، از مؤثرترین روش‌های تربیتی قرآن کریم در تغییر کنش‌های رفتار فردی مخاطبان است. قرآن کریم در شیوه تربیتی خود با نشان دادن دو اخلاق فضیلت و رذیلت در کنار یکدیگر به تفهیم زیبایی‌ها و مکارم اخلاق پرداخته است. به عبارت دیگر با لحاظ قوه اختیار و اراده انسان، راه برای تشخیص اخلاق فضیلت و انتخاب برترین‌ها هموار شده است. در ادامه به بازخوانی نمونه‌هایی از تقابل حق و باطل در قرآن می‌پردازیم:

۱-۳-۵. تقابل دو چهره وفادار و بافضیلت در برابر دو شخصیت خیانتکار و رذل اشاره نمود. نقل تاریخی و متقابل این چهار شخصیت، تمام فرآیند مورد نیاز در تأثیرگذاری تربیتی قرآن را تأمین نموده است. در این تقابل اخلاقی که بر مبنای چهره‌پردازی شخصیت‌های تاریخی شکل گرفته، همسر نوح علیه السلام و همسر لوط علیه السلام در یک طرف و همسر فرعون و مریم علیه السلام در طرف دیگر، زیباترین و مؤثرترین نمونه‌های اخلاق خوب و بد را به تصویر کشانده است (ر.ک: تحریم، ۱۰-۱۲). قرآن کریم در مثال تربیتی خود به مخاطب تفهیم می‌کند که او می‌تواند مستقل از محیطی که در آن زندگی می‌کند، در دو سوی فضیلت یا رذیلت قرار گیرد.

۲-۳-۵. نمونه دیگری از تقابل دو چهره تأثیرگذار تربیتی در قرآن، نقل ماجرای

فرزندان حضرت آدم علیه السلام است که یکی در مسیر فضیلت و دیگری در مسیر رذیلت قرار گرفته، حادثه‌ای تاریخی را خلق کرده‌اند. خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که داستان سراسر عبرت آن دو نفر را برای مخاطبان خود نقل نموده، از این جهت به آنان درس اخلاق و تربیت بیاموزد: «وَأَنْتُمْ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنَى آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ و خبر دو فرزند آدم - هابیل و قابیل - را بر آنان بدرستی بخوان که چون قربانی کردند از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [آن که قربانیش پذیرفته نشد - قابیل - به برادر] گفت: هر آینه تو را خواهم کشت. [برادرش - هابیل -] گفت: جز این نیست که خدا از پرهیزگاران می‌پذیرد» (مائده، ۲۷) آیه کریمه با اشاره به داستان حضرت آدم علیه السلام و فرزندانش، عاملی مانند حسد را موجب بروز اختلاف و شکل‌گیری رذیلت رفتاری دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۴۸۶). آموزه‌های قرآن کریم در این دو مثال و دیگر نمونه‌های آن به دنبال رشد و تعالی شخصیت فردی و کسب فضائل اخلاقی در میان مخاطبین است.

۳-۳-۵. قرآن کریم با یادکرد داستان بنی‌اسرائیل و پردازش چهره‌های حق و باطل به تعمیق شیوه تربیتی خود ادامه می‌دهد. بخشی از سوره قصص به همین مهم اختصاص یافته است. داستان دو مشاور خوب و بد، توانسته است قسمت‌هایی از فرآیند تربیتی قرآن کریم را به زیبایی منعکس نماید. در این داستان باشکوه تربیتی، از هارون، وزیر موسی علیه السلام تکریم شده است (قصص، ۳۴-۳۵). در مقابل به وزیر و مشاور بد نهاد به نام هامان اشاره شده که در کنار فرعون قرار گرفته است (قصص، ۳۸). مخاطب قرآن کریم می‌تواند از این میان، به انتخاب شخصیت بافضیلت و پاک‌سرشت اقدام نماید.

۴-۵. روش تعالی شخصیت

ارتقای شخصیت انسانی از اساسی‌ترین اهداف تربیتی قرآن کریم است. قرآن کریم چنان شخصیت رفیعی را برای وجود انسان ترسیم نموده که برای او را در برابر ارتکاب معصیت ایجاد بازدارندگی نماید. در فرهنگ قرآن کریم شخصیت متعالی با مکارم اخلاق و فضائل سرشته شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که هر آینه ما

آدمی را در نیکوترین نگاشت - صورت و ترکیب و اعتدالی که بتواند به پایه‌های بلند دست یابد - بیافریدیم» (تین، ۴).

۴-۵-۱. خداوند با صراحت به مخاطبان خود در خصوص صیانت از نفس هشدار می‌دهد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما باد [نگاهداشت] خویشتن» (مائده، ۱۰۵) توجه قرآن کریم به پرورش استعداد های خداگونه بشر است تا او را از گزند آسیب‌های رفتاری بازدارد. قرآن کریم با این هشدار، انسان را به کمال حقیقی و هدایت راهنمایی کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۳۹). افزون بر این خداوند به مخاطبانش سفارش می‌کند تا خودشان و اهلشان را از عذاب دردناک برهانند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیمه آن مردم و سنگ - کافران و بتها - باشند نگاه دارید» (تحریم، ۶). با تعالی شخصیت، انسان در جایگاه حقیقی خود قرار می‌گیرد. قرآن کریم نیز به دنبال همین است که ریشه‌های تفکر بشر را تغییر داده و اساس نگرش او را متفاوت نماید. از این رو در ادبیات قرآن کریم از انسان به عنوان خلیفه‌الله یاد شده است. افزون بر این، انسان چنان قدر و منزلتی یافته که محل دریافت علم الهی نیز هست. گفتگوی پروردگار با فرشتگان و استدلال قرآن کریم درباره آفرینش انسان بر اهمیت همین موضوع اشاره دارد (بقره، ۳۰-۳۳).

۴-۵-۲. تأکید قرآن کریم بر ضرورت شناخت «انفس» در کنار شناخت «آفاق»، اهمیت جایگاه انسان را به گونه‌ای مضاعف تبیین می‌نماید. قرآن کریم درک حقایق عالم هستی و فهم حقانیت خداوند را در نگاه به آثار عظمت درون و برون انسان توصیه نموده است. همین فضیلت و برتری برای انسان کافی است تا او را مهبط وحی الهی قرار دهد. «سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ زودا که آنان را نشانه‌های خویش در کناره‌های جهان و در جانهای خودشان بنماییم تا آنکه برایشان روشن و آشکار شود که همانا او - یا آن - حق است. آیا این بس نیست که پروردگار تو بر هر چیزی گواه و آگاه است؟» (فصلت، ۵۳).

در چنین نگرشی توجه به شرافت و کرامت انسانی مورد تأکید قرآن کریم قرار

گرفته است. بی‌اعتنایی به شناخت نفس و بی‌توجهی به درک جایگاه انسان، مجازات کسانی است که به ذات باری تعالی بی‌توجهی کرده‌اند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرده است» (حشر، ۱۹). با این بیان، قرآن کریم روشی نوین را پیش روی مسلمانان ایجاد نموده است که طی آن هرگونه تحولی بر اساس کرامت و شأن والای انسان رقم می‌خورد.

۳-۴-۵. کرامت و برتری انسان از دیدگاه قرآن کریم به‌صراحت و روشنی بیان شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و هر آینه فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها و کشتی] بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری کامل بخشیدیم» (اسراء، ۷۰) از بررسی مفهومی آیه کریمه چنین بر می‌آید که هدف قرآن کریم رساندن انسان به جایگاه واقعی و کرامت نفسانی اوست. تفضّل خداوند بر انسان در کرامت و برتری عقل، فهم و قدرت نمایان شده است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۸۵).

۴-۴-۵. قرآن کریم با تکریمی مضاعف، انسان را حامل امانت الهی می‌داند: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ همانا ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، ولی از برداشتن - پذیرفتن - آن سر باز زدند و از آن ترسیدند و آدمی آن را برداشت - پذیرفت، برآستی که او ستمگر و نادان است» (احزاب، ۷۲) امانتی که در اختیار بشر قرار داده شد و انسان آن را تحمل نمود همان قابلیت تکامل به‌صورت نامحدود، آمیخته با اراده و اختیار و رسیدن به مقام انسان کامل است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۴۵۳). انسان به جهت کرامت و بزرگی و شخصیت متعالی، امانت‌دار خداوند قلمداد شده است. ولایت الهی، علم به حقایق دین و عمل به آنها، جایگاه رفیعی را برای انسان رقم زده است به گونه‌ای که هیچ‌یک از موجودات جز انسان برای پذیرش امانت پروردگار استعداد نداشتند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۳۵۰).

۵-۴-۵. تکیه بر نعمت‌های فراوان پروردگار، عظمت خلقت بشر در نظام آفرینش و پیچیدگی‌های وجودی انسان، او را از سایر موجودات هستی متمایز نموده است (مؤمنون، ۱۴؛ تغابن، ۳) انسان دریافته است که میان وی و دیگر موجودات نظام آفرینش تفاوت‌های بسیاری است که پاسداشت چنین جایگاهی برای او ضروری است. قرآن کریم، بشر را چنان باشکوه و باعظمت معرفی نموده است که انسان رشد یافته به خود اجازه نمی‌دهد که حرمت شعائر دین را دریده و خود را به خطا و معصیت آلوده نماید. اوج زیبایی بیان قرآن در این خصوص را می‌توان در «احسن القصص» جستجو نمود (یوسف: ۲۳) در آن مجال پُر التَّهَاب، حضرت یوسف علیه السلام به‌عنوان انسان کامل به الطاف الهی تمسک جسته و یادآوری می‌کند که چگونه می‌توان در برابر آن همه لطف الهی، خود را به معصیت آلوده نماید؟ در این صورت پروردگار متعال افراد ظلم‌پیشه را هرگز قرین رحمت و فلاح نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۱، ص ۱۶۵).

۵-۵. روش تجربه‌گرایانه‌ی تربیتی

تجربه‌پذیری از شیوه‌های مهم تربیتی است که قرآن کریم به‌خوبی از آن بهره‌برداری نموده است. تجربه‌ظرفیت‌های عقلی بشر را افزایش می‌دهد و تحلیل حوادث را ممکن می‌سازد. حواس انسان در این شیوه تربیتی نقش محوری دارند. آنچه که فرد با کمک شیوه تجربه‌گرایانه درک می‌کند از ماندگاری و تأثیر بیشتری نیز برخوردار است. در این روش، متربی به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به تجاربی دست می‌یابد که به یادگیری و تربیت او کمک می‌کند. این روش بر شناخت عقلی مبتنی است، اما با کمک تجربه و با به‌کارگیری حواس بشری محقق می‌شود. قرآن کریم در موارد متعددی به مخاطبان خود توصیه می‌کند تا از پیرامون خود عبرت بیاموزند و تجربه کسب نمایند.

۵-۵-۱. آیات فراوانی از قرآن کریم به تجربه‌اندوزی و پندآموزی اختصاص یافته است. بسیاری از این دست از آیات با ریشه لغوی «س ی ر» همراه است. در این شیوه تربیتی مطالعه سرگذشت اقوام پیشین و نیز مشاهده آثار آنان به فرآیند تربیت‌پذیری

کمک می‌کند. این آیات بارها در قرآن کریم با مضامین مختلف تکرار شده است. مفهوم این دست آیات را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

۵-۵-۱-۱. برخی از این آیات با مفهومی کلی، مخاطب را به عبرت‌آموزی فرا خوانده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ؛ بگو در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام پیشینیان چگونه بود» (روم، ۴۲) از دیدگاه قرآن کریم مشاهده و بررسی تاریخ زندگی پیشینیان عبرت‌آموز و تربیت‌کننده است؛ بنابراین خداوند توصیه فرموده است که بندگانش به عاقبت کار اقوام قبل دقت نمایند.

۵-۵-۱-۲. برخی آیات به‌طور مشخص به مطالعه عاقبت کار گروهی خاص اشاره نموده است. این گروه ممکن است تکذیب‌کنندگان، کافران یا مشرکان باشند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ؛ بگو: در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام دروغ‌انگاران چگونه بود» (انعام، ۱۱). در این آیه کریمه خداوند از مخاطبان خود می‌خواهد تا با سیاحت در زمین، سرگذشت و عاقبت تکذیب‌کنندگان را مشاهده نموده و پند گیرند. مشاهده آثار و عاقبت کسانی که در برابر جبهه حق به دروغ‌پردازی و حق‌ستیزی پرداختند، نتایج تربیتی در بر دارد.

۵-۵-۲. یکی دیگر از ابعاد تربیت تجربه‌گرایانه، واداشتن مخاطب به تفکر و اندیشیدن در عالم پیرامون است. بخشی از رشد و تعالی فردی در گرو کسب تجربه و دانش از اطراف است. محصول این‌گونه از مشاهده و تجربه، پی بردن به عظمت نظام هستی و آشناسدن با بزرگی و قدرت پروردگار جهانیان است. در ادامه به تعدادی از این آیات اشاره می‌نماییم:

«أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ؛ آیا در درون خویش نیندیشیده‌اند که خدا آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست جز به حق و سرآمدی نامبرده نیافریده است؟ و هر آینه بسیاری از مردم دیدار پروردگارشان را باور ندارند» (روم، ۸).

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يَنْشِئُ الشُّعْبَةَ الْأَخْرَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بگو در زمین بگردید و بنگرید که چگونه [خدا] آفرینش را آغاز کرد، و

سپس خدا آفرینش واپسین را پدید می‌کند، همانا خدا بر هر چیزی تواناست» (عنکبوت، ۲۰).
 «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَرَبَّيْنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ؛ آیا به آسمان بالای سرشان ننگریستند که چگونه آن را برافراشتیم و [با ستارگان] بیاراستیم و آن را هیچ شکافی - نقص و خلل و ناموزونی - نیست؟» (ق، ۶).

«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ * فَذَكِّرُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»؛ (غاشیه: ۱۸-۲۱).

۵-۳. قرآن کریم در برخی از آیات به مخاطب خود تفهیم نموده تا با بررسی موارد مختلف، برترین را انتخاب نماید. انسان مختار است تا خود بشنود و از بهترین گزینه تبعیت نماید: «...فَبَشِّرْ عِبَادِ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷-۱۸). در این شیوه تربیتی انسان می‌تواند با نگرشی عقلایی و بر اساس تجارب بدست آمده، درست را از نادرست بازشناسی نماید. همچنین مخاطب با استفاده از ابزار عقل، به بررسی و تحلیل محسوسات خود پرداخته و بدون نیاز به دیگر روش‌ها، نسبت به انتخاب برترین‌ها اقدام می‌کند.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم تحولی شگرف در ابعاد مختلف زندگی بشری ایجاد نمود. جهت‌گیری آموزه‌های قرآن کریم به سمت تغییر رفتار مخاطبان و همچنین تقویت پایه‌های تربیتی هر یک از اعضاء جامعه، به شکل‌گیری مناسبات جدیدی در عرصه اجتماع منجر شد. این مهم نشان می‌دهد که ارتقاء سطح تربیت‌پذیری فردی در نهایت به گسترش اخلاق اجتماعی نیز کمک می‌کند.

۱. با عنایت به مرجعیت علمی قرآن کریم در عرصه تربیت و اخلاق‌پذیری، به راهکارهای کاربردی دست می‌یابیم که مبنای اصلاح رفتار قرار می‌گیرند. تحولی شگرف از عصر نزول تا عصر حاضر در زمینه رفتار مخاطبان نشان‌دهنده همین کارکرد بنیادین قرآن است.

۲. به کارگیری گفتمان انذار و تبشیر، کارگفت جدیدی را ایجاد نموده و مبنای

تربیتی منحصر به فردی را بنا می‌نهد. قرآن کریم پندهای حکیمانه را در قالب‌های متنوع به مخاطب گوشزد می‌کند. انعکاس رفتار آنانی که صاحب فضائل‌اند و به آنها بشارت داده شده است تا موجب تقویت رفتارشان شود. در نقطه مقابل کسانی که دچار رذائل‌اند و مورد انذار قرار گرفته‌اند. در نتیجه گفتمان انذار و تبشیر برای عالمان اخلاق و علوم تربیتی به‌عنوان مرجعی علمی راه‌گشاست.

۳. توجه به موضوع کرامت و شخصیت انسانی، با رویکردی که قرآن کریم تعیین نموده حائز اهمیت است. انسان آنگاه که احساس شخصیت متعالی نماید، خود را از معصیت و پلیدی‌ها دور نگه می‌دارد.

۴. از جهت دیگر، آموزه‌های قرآنی به فرد القاء نموده که مسئولیت تمامی عملکردش متوجه خود اوست. به عبارت دیگر انسان موجودی اجتماعی است، ولی شأن فردی او بر دیگر جنبه‌هایش افضل است. با این بیان صریح، انسان در می‌یابد که تقویت و مقاوم‌سازی پایه‌های رفتار فردی ضروری است.

۵. در شیوه تربیتی قرآن کریم بهره‌گیری از الگوهای تربیتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که مسیر تربیت‌پذیری را کوتاه نموده، اثرات تربیت را افزایش می‌دهد. از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان اسوه حسنه معرفی شده است تا مخاطبین به رفتار وی تمسک جویند.

۶. قرآن کریم با شیوه تربیتی مبتنی بر تجربه‌گرایی، به مخاطب خود فرصت می‌دهد تا با تکیه بر حواس به بررسی و مطالعه پیرامون خویش اقدام نموده، با به‌کارگیری ابزار عقل، محسوسات را تحلیل نماید. کسب تجارب تربیتی، آموخته‌ها را پایدارتر و عمیق‌تر می‌کند.

۷. عنایت قرآن کریم به موضوعاتی چون خودشناسی و خودسازی و نیز تأکید بر جهاد با نفس بر اهمیت پرورش اخلاق فردی و تعمیق تربیت دینی می‌افزاید. در فرهنگ تربیتی قرآن کریم هر فردی در گرو تلاش و جدیتی است که از خود نشان می‌دهد. بنابراین شیوه‌های تربیتی قرآن کریم نیز با قوّت به تعدیل و تصحیح رفتار فردی پرداخته‌اند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. الهامی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۵). سیره اخلاقی معصومین. قم: زمزم هدایت.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه الی تفصیل الشریعه. قم: انتشارات آل البیت علیهم السلام.
۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۴. رحیمیان، محمدحسین؛ رهبر، محمدتقی. (۱۳۸۰). آیین تزکیه. قم: بوستان کتاب.
۵. صانعی پور، محمدحسن و دیگران (۱۳۹۳). تحلیل ساختار کارگفت انذار در قرآن کریم. دوفصلنامه پژوهش های زبان شناختی قرآن، ۳(۱). صص ۳۹-۶۰.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق). مجمع البیان. بیروت: دار المعرفه.
۸. طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلام.
۹. علیزاده، مهدی. (۱۳۸۹). اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم). قم: دفتر نشر معارف.
۱۰. فتحعلی خانی، محمد. (۱۳۷۹). آموزه های بنیادین علم اخلاق. قم: شهریار.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). کافی (مترجم: محمدباقر کمره ای، چاپ سوم). تهران: انتشارات اسوه.
۱۲. مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۸). مروج الذهب (مترجم: ابوالقاسم پاینده، چاپ هشتم). تهران: نشر علمی فرهنگی.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن (چاپ دوم). قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق (چاپ سوم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). فلسفه اخلاق (چاپ چهل و دوم). تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۸). تفسیر نمونه. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۵). جامع السعادات (مترجم: کریم فیضی). قم: انتشارات قائم آل محمد علیهم السلام.

References

* *The Holy Quran*.

* *Nahj al-Balaghah*.

1. Alizadeh, M. (1389 AP). *Islamic ethics (principles and concepts)*. Qom: Maaref Publishing Office. [In Persian]
2. Dehkhoda, A. A. (1372 AP). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
3. Elhaminia, A. A. (1385 AP). *The moral lifestyle of the Fourteen Infallibles*. Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian]
4. Fath Ali Khani, M. (1379 AP). *Fundamental teachings of ethics*. Qom: Shahriar. [In Persian]
5. Hor Ameli, M. (1414 AH). *Wasa'il al-Shia ila Tafsir al-Shariah*. Qom: Alulbayt Publications. [In Arabic]
6. Koleyni, M. (1375 AP). *Kafi*. (M. B. Kamareei, Trans.). (3rd ed.). Tehran: Osweh Publications. [In Persian]
7. Makarem Shirazi, N. (1368 AP). *Tafsir Nemouneh*. Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
8. Masoudi, A. (1378 AP). *Moravij al-Dhahb*. (A. Payendeh, Trans.). (8th ed.). Tehran: Scientific and cultural publication. [In Persian]
9. Mesbah Yazdi, M. T. (1377 AP). *Ethics in the Quran* (2nd ed.). Qom: Imam Khomeini Institute Publications. [In Persian]
10. Mesbah Yazdi, M. T. (1394 AP). *Philosophy of Ethics*. (3rd ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
11. Motahari, M. (1392 AP). *Philosophy of Ethics*. (42nd ed.). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
12. Naraghi, M. M. (1385 AP). *Jame' al-Sa'adat*. (K. Faizi, Trans.). Qom: Ghaem-e- Ale Mohammad Publications. [In Persian]
13. Rahimian, M. H., & Rahbar, M. T. (1380 AP). *Cultivation ritual*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
14. Saneipour, M. H., & other authors (1393 AP). Analysis of the structure of warning words in the Holy Quran. *Bi-Quarterly Journal of Quranic Linguistic Research*, 3(1), pp. 39-60. [In Persian]
15. Tabarsi, F. (1406 AH). *Majma' al-Bayan*. Beirut: Dar Al-Maarefa. [In Arabic]
16. Tabatabaei, S. M. H. (1393 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
17. Tayyib, A. (1369 AP). *Atiba al-Bayyan fi Tafsir al-Quran*. (2nd ed.). Tehran: Islam Publications. [In Persian]